

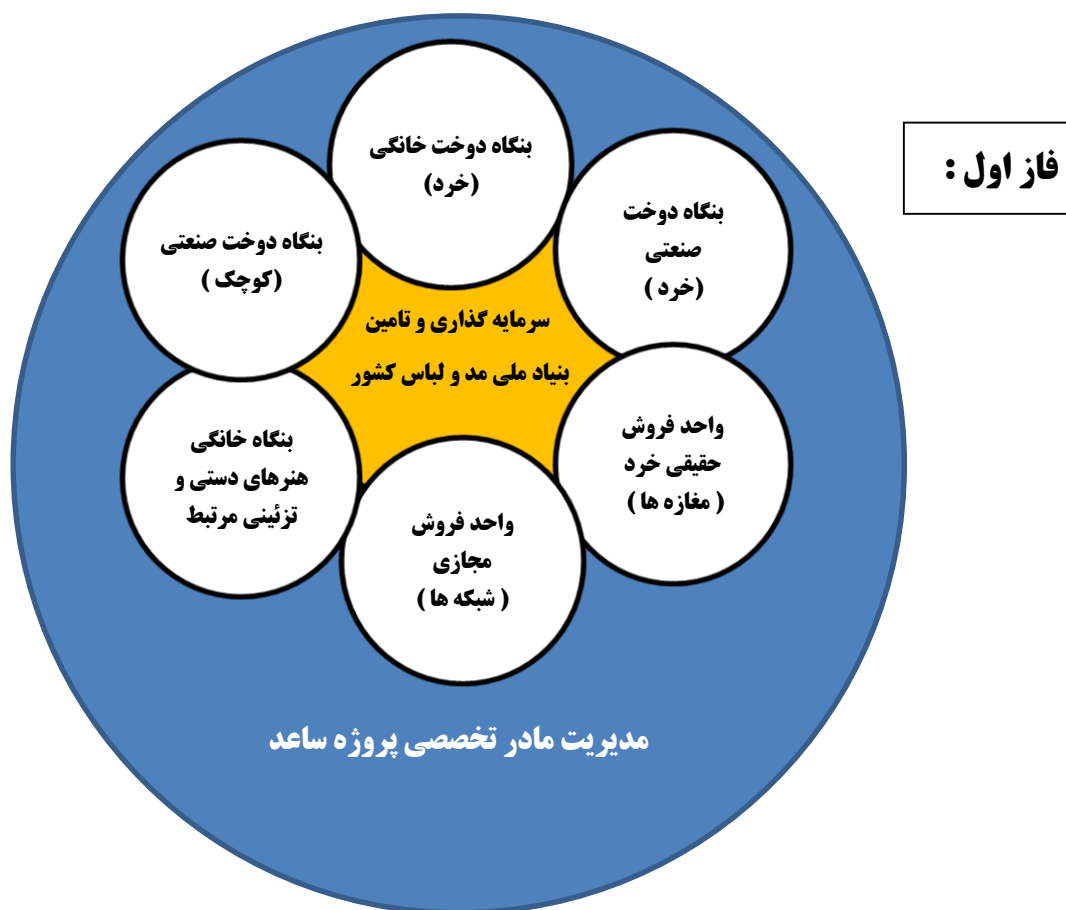
به نام حق

(قدرت اقتصادی حرکتی مبتنی بر تولید ناخالص ملی آن کشور است)

طرح ، تولید تا فروش مستقیم پوشاک با بهره گیری از ساختار شبکه خوشه ای

(با محوریت ایده ، تولید تا فروش مستقیم پوشاک با بهره گیری از ساختار شبکه خوشه ای تولید تا توزیع)

طرح بر اساس تولید بدون کارخانه و بر اساس مدیریت اتوماسیون یکپارچه از تولید تا فروش، زیر نظر یک واحد مرکزی هدایت می شود و در زمان بلوغ پروژه به شبکه زنجیره خوشه تبدیل می گردد .



Factory-free production with intelligent management engineering.

جارت محوری پروژه پوشاک از ایده ، تولید تا توزیع (فروش) مستقیم

بحمدالله مسیر و اهداف پروژه ساعد در مسیر بیانات هوشمندانه مقام معظم رهبری (مدظله عالی) قرار گرفته است و تاکید معظم له در تکثیر این گونه تولیدات (تولید در کارگاههای کوچک و خانگی) که جهش سریعی در تولید ناخالص ملی ایجاد و ثبات در عرضه و تقاضا در بازار را فراهم می کند، بتوانیم با عظمی راسخ و جهادی به پیش ببریم.

اهداف (استراتژیک) طرح

- (۱) ایجاد موج فرهنگی در زمینه پوشاک در فضای فروش فیزیکی و مجازی جهت جریان سازی پوشاک ایرانی - اسلامی.
- (۲) تولید و اشتغال پایدار در کارگاههای کوچک و خانگی با کم شدن هزینه های سربار تولید و قیمت تمام شده کالای نهایی.
- (۳) اولویت بکارگیری اقشار آسیب دیده اجتماعی از جمله بانوان خود سرپرست، بد سرپرست و کم بضاعت، افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، انجمن ها و خیریه های مردم نهاد و زندانی های آزاد شده یا در دوره محکومیت (در این نگاه خدا پسندانه که هم برکت مجموعه بیشتر شده و هم امید به زندگی در بین این گونه افراد زیاد می شود، منجر به کم شدن بضح در سطح جامعه شده و هزینه های کشور در این خصوص کم می گردد، پس ملاک شرکت در استخدامات تاثیر سوء پیشینه افراد نخواهد بود).
- (۴) فروش مستقیم محصولات، حذف واسطه های کاذب و تعیین رقابت در فروش (درج قیمت مصرف کننده بر روی محصولات).
- (۵) توزیع مستقیم محصول به مردم با قیمت پایین تر جهت رضایت و حمایت از مصرف کننده (خانواده) در نقاط مختلف کشور.
- (۶) حمایت و نظارت مداوم از واحدهای تولیدی (کارگاههای کوچک و خانگی) زیر مجموعه مدیریت مادر تخصصی ساعد از لحاظ اشتغال پایدار و ایجاد تعادل رفاه در شبکه انسانی پروژه.
- (۷) افزایش تولید - قیمت مناسب و سود معقول در رقابتی توانمند در شبکه فروش.
- (۸) مرجع شدن در سیستم و روش تولید تا توزیع دانش محور در سطح کشور.
- (۹) مرکز آموزش دانش آموز و دانشجوی هنر صنعت طراحی و نساجی کشور در محیط عملیاتی (واقعی).

اجرائیات طرح:

اجرای طرح از دو موضوع تشکیل می شود:

۱. تهیه و تامین تجهیزات سخت افزاری در هر بخش که شامل مکان واحد تا ابزارآلات آن می باشد.

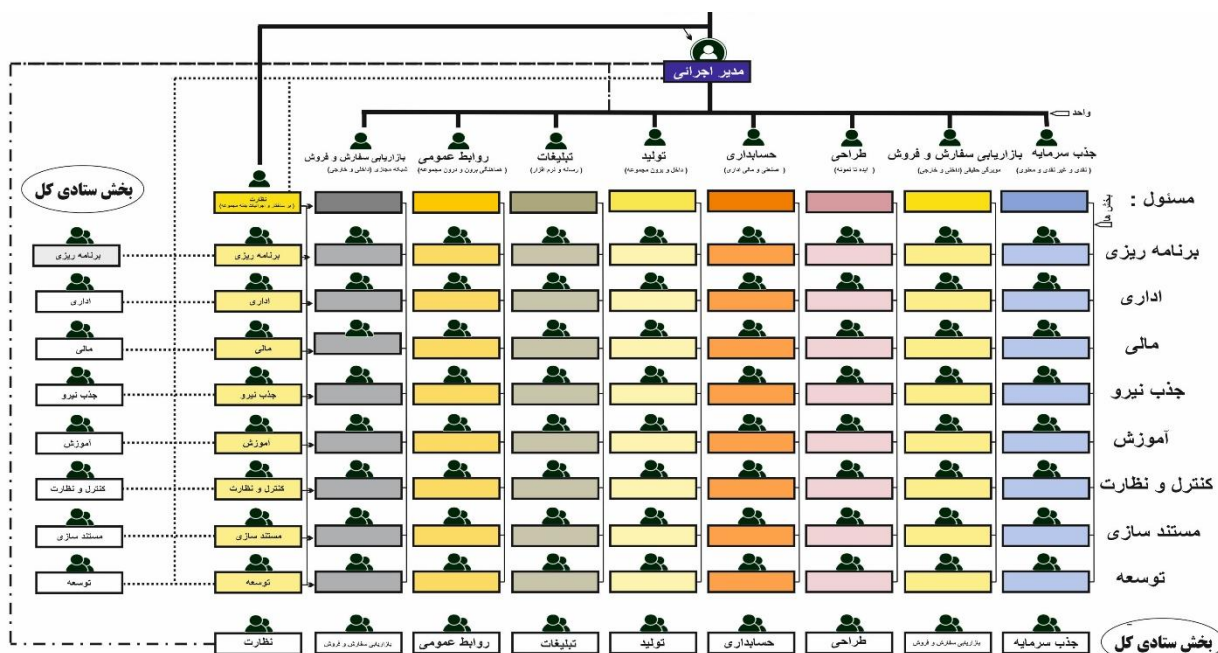
۲. تهیه و تامین تجهیزات نرم افزاری در هر بخش که شامل نیروی انسانی واحد تا سیستم و روش همکاری آن ها می باشد .

واحدها (بخش های اصلی) در این طرح بر اساس اهداف (استراتژیک) تعیین شده به صورت ذیل است:



بر اساس ماهیت این پروژه و اجرایی شدن اهداف آن و جهت توسعه واحدها و ایجاد ساختار، نمودار سازمانی آن بیشتر از روش ترکیبی که برآیندی از روش‌های تحلیلی و تلفیقی، استفاده می‌شود و درعین حال که به محتوای مشاغل توجه می‌گردد، ارتباط لازم بین وظایف، فعالیتها و هدف‌ها نیز از نظر دور نمی‌ماند.

چارت فوق ساختاری از اصول منظم، ثبت رویدادها و نظارت صحیح واحدها در جهت اجرای وظایف به روش ترکیبی که شامل روش‌های ذیل تنظیم تا در تغییر و تحولات ساختار دچار مشکل نشوند تا در روند توسعه و رو به رشد شرکت، بخش‌ها هم راستا و انعطاف پذیر عمل کنند.



اصول و ساختار شرکت بر پایه ساختار ترکیبی ذیل ترسیم می‌گردد:

روش ترکیبی

در مورد میزان تمرکز و عدم تمرکز امور در سازمان، محدودیت یا وسعت حیطه نظارت و مسطح بودن یا مرتفع بودن سلسله مراتب سازمانی، با مدیریت به تبادل نظر پردازد و از اولویت‌های وی آگاه شود.

نسبت به لزوم تناسب اختیارات و مسئولیت‌های محوله به هر واحد، حساس باشد و سطح سازمانی مناسبی را برای واحدها پیشنهاد کند.

در توضیح مناسب اختیارات بین واحدهای صف و ستاد به نحوی که آسان کننده کار یکدیگر باشند دقت کند.

با توجه به ویژگیهای موقعیت، از جمله: هدف سازمان و ماهیت فعالیتهای آن، قلمرو کار سازمان، ویژگیهای دریافت کنندگان خدمات سازمان، نوع تکنولوژی مورد استفاده در سازمان و درجه تنوع کالاها و خدمات تولیدی در آن، ترکیب مناسبی را جهت سازماندهی انتخاب و پیشنهاد می‌کند.

در ارتباط هر یک از مشاغل و واحدها با هدف سازمان دقت کند و مطمئن شود که چنین ارتباطی موجود است. قلمرو هر یک از واحدها را بررسی کند، امکان ترکیب چند واحد را در یکدیگر و نیز حذف واحدهای زائد را از نظر دور ندارد.

برای هر یک از واحدهای سازمانی، با در نظر گرفتن اهمیت نسبی آنها و تکرار ارتباطشان با سطوح عالی مدیریت، محل مناسبی را در سلسله مراتب، در نظر بگیرد.

- (۱) ساختار بر مبنای وظیفه
- (۲) ساختار بر مبنای نوع عملیات (تخصص)
- (۳) ساختار بر مبنای مشتری (بازار هدف)
- (۴) ساختار بر مبنای قلمرو عملیاتی (محل جغرافیایی)
- (۵) ساختار بر مبنای محصول (نوع تولید)
- (۶) ساختار بر مبنای پروژه
- (۷) ساختار با گروه‌های متداخل یا سازمان حلقوی
- (۸) ساختار سازمانی مدولار (ماجولار)

کلیات نحوه اجرای پروژه

پروژه در سه فاز خطی و به کارگیری از بنگاه‌های کوچک و متوسط قابل اجرا می‌باشد:



علل استفاده از ظرفیت بنگاه‌های خرد و کوچک در پروژه ساعد:

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق مختلف جهان، بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط در آن است. برخی از معیارهایی که معمولاً "در تعریف صنایع کوچک و متوسط به کار می‌روند عبارتند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی کل، حجم فروش و ظرفیت تولید. اما رایج ترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، معیار تعداد کارکنان است.

علت استفاده از به بنگاه‌های خرد و کوچک و متوسط در پروژه ساعد:

نگاهی به نظام اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته جهان نشان می دهد که ایجاد و حمایت از بنگاه های خرد و کوچک از اولویت های اساسی در برنامه های توسعه اقتصادی این کشور است. چرا که این بنگاه ها راحت تر می توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی بهتر و موثر تر واکنش نشان دهند.

تا چند سال قبل در کشور باتوجه به تئوری های سنتی کارایی و صرفه های ناشی از مقیاس، به استقرار بنگاه های بزرگ تمایل بیشتری وجود داشت و بنگاه های کوچک به دلیل عدم برخورداری از این صرفه ها با اقبال کمتری روبرو بودند. در سال های اخیر با برجسته شدن نقش بنگاه های کوچک در ادبیات اقتصادی جهان و تجارب موفق سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، دیدگاه دیگری در کشور شکل گرفته که معتقد است بنگاه های کوچک نیز در جایگاه خود دارای اهمیت و مزایای متعددی است که از جمله مزایا می توان به :

۱. ایجاد فرصت های شغلی فراوان
۲. قدرت بالا در جذب و بومی کردن تکنولوژی
۳. قدرت بالا در تربیت کارآفرینان و مدیران اقتصادی
۴. کاهش عدم تعادل های بخشی و منطقه ای در اقتصاد
۵. قدرت تصمیم گیری سریع و انعطاف پذیری بالا در مدیریت و در شرایط متغیر بازار
۶. توسعه متوازن و پایدار صنعتی و اقتصادی
۷. کمک به توزیع عادلانه درآمد و اشتغال زایی
۸. تسریع در زمان بهره برداری و توجه به هزینه فرصت سرمایه اشاره کرد.

در ایران براساس آمار وزارت صنعت و معدن و تجارت تا پایان سال ۱۳۹۵ بیش از ۸۱ هزار واحد صنعتی کوچک و متوسط معادل ۹۲ درصد کل واحدهای صنعتی کشور با اشتغال یک میلیون نفر، معادل ۴۵ درصد اشتغال صنعتی کشور وجود دارد. در ارتباط با صنوف و براساس گزارش اتاق اصناف ایران، بیش از سه میلیون واحد صنفی در چهار گروه و در بیش از ۱۸۵۰ رشته صنفی (صنوف تولیدی (۲۲ درصد از بنگاه های صنفی)، صنوف خدمات فنی (۱۸ درصد از بنگاه های صنفی)، صنوف توزیعی (۴۵ درصد از بنگاه های صنفی)، صنوف خدماتی (۱۵ درصد از بنگاه های صنفی) وجود دارد.

مهمترین چالش ها و معایب بنگاه های خرد، کوچک و متوسط در ایران که می بایست جهت رسیدن به اهداف پروژ در رفع آنها برنامه ریزی و حمایت کرد :

۱. تامین منابع مالی (کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش)
۲. مشکل دریافت تسهیلات از بانک ها (اعمال شرایط سخت گیرانه در ارزیابی و اعتبارسنجی متقاضیان از قبیل درخواست های صورت های مالی حسابرسی شده و مطالبه وثایق سهل الوصول توسط بانک ها)

۳. ضعف مدیریتی بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط : با توجه به اینکه بسیاری از بنگاه‌های خرد کوچک و متوسط مالک- مدیریتی هستند یعنی مالک شرکت مدیریت مجموعه را نیز بر عهده دارد، بنابراین از دانش مدیریتی لازم برخوردار نیستند .
۴. کیفیت پایین تولیدات داخلی :تولیدات بسیاری از بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط کشور به دلایل متعددی مانند تکنولوژی فرسوده، فقدان دانش فنی روز دنیا، نیروی انسانی ناکارآمد، استفاده از مواد اولیه نامرغوب و ضعف سیستم‌های کنترلی از کیفیت پایینی برخوردارند که به همین دلیل توان رقابتی خود را در مقابل تولیدات باکیفیت رقبای خارجی از دست داده‌اند.
۵. مشکل فقدان بازار
۶. محدودیت‌های بازاریابی بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط : مانند فقدان دانش بازاریابی مدیران و محدودیت در تأمین هزینه فعالیت‌های بازاریابی مانند تبلیغات، باعث می‌شود نتوانند تولیدات خود را به‌موقع به فروش رسانده و به دلیل خواب سرمایه بخشی از ظرفیت آن‌ها بلااستفاده بماند .
۷. کیفیت پایین تولیدات داخلی: تولیدات بسیاری از بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط کشور به دلایل متعددی مانند تکنولوژی فرسوده، فقدان دانش فنی روز دنیا، نیروی انسانی ناکارآمد، استفاده از مواد اولیه نامرغوب و ضعف سیستم‌های کنترلی از کیفیت پایینی برخوردارند که به همین دلیل توان رقابتی خود را در مقابل تولیدات باکیفیت رقبای خارجی از دست داده‌اند .
۸. کمبود نیروی انسانی متخصص : بنگاه‌های خرد کوچک و متوسط به دو دلیل نمی‌توانند نیروی انسانی متخصص موردنیاز خود را جذب نمایند، دلیل اول نوع آموزش‌های ارائه‌شده در مراکز آموزشی مانند دانشگاه‌ها است که عمدتاً تئوریک و غیر مهارتی بوده و چندان مبتنی بر نیازهای واقعی صنعت و کسب‌وکار نمی‌باشد، و دلیل دیگر این است که نیروی کار با توانمندی بالا عمدتاً جذب بنگاه‌های بزرگ می‌شوند. فقدان مهارت نیروی انسانی باعث کاهش بهره‌وری و درنهایت منجر به کاهش توان رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در برابر رقبا می‌گردد.
۹. بهره‌وری پایین نیروی انسانی در کشور: علی‌رغم پایین بودن نسبی دستمزد در کشور نسبت به سایر کشورها اما به دلیل بهره‌وری پایین نیروی انسانی، هزینه نیروی انسانی در مجموع برای تولیدکنندگان داخلی نسبت به رقبای بین‌المللی، به‌خصوص رقبای چینی، بالاتر درمی‌آید که باعث کاهش توان رقابتی و درنهایت بلااستفاده ماندن بخشی از ظرفیت بنگاه‌ها گردیده است.
۱۰. دشواری در تأمین مواد اولیه مرغوب: به بسیاری از بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط نمی‌توانند مواد اولیه موردنیاز تولید را به قیمت مناسب تهیه کنند و همین امر هزینه تولید را در این واحدها بالا می‌برد.
۱۱. فرسوده بودن تکنولوژی خط تولید بنگاه‌های خرد

در فاز اول: برون سپاری تولیدات به صورت کامل انجام نمی پذیرد، بلکه پروژه در شروع و مسیر اولیه قرارداد و از مزیت غیر متمرکز بودن صنعت پوشاک و نساجی که از ظرفیت خالی و حمایت بنگاه های خرد و کوچک در رسیدن به اهداف استفاده می کند و برای رسیدن به یک فرایند یکپارچه، نقاط کلیدی زنجیره تولید از جمله مدل و الگو سازی ، برش و کنترل نهایی و بسته بندی در واحد مرکزی توسط خود مجموعه انجام می پذیرد و برای این امر نیازمند :

۱. کارگاه: سالنی حدود ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ متر مربع با امکانات کارگاهی و رفاهی، جهت برش و خدمات جانبی تکمیلی تولید (کنترل کیفی ، بسته بندی و ...)
۲. سرمایه انسانی؛ نیروی کار متخصص .
۳. سرمایه در گردش.

خرید و هزینه های جاری	مبلغ به ریال	جمع
خرید تجهیزات	۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
رهن سوله	۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
سرمایه در گردش ماهیانه و پرسنلی	۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
حمل و نقل های درون و بیرون شهری ماهیانه	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	

برون سپاری نظارتی

فاز دوم: در این مرحله که مرحله رشد پروژه ساعد می باشد، بعد از فعالیت های فاز اول و آموزش های حین کار بنگاه ها و واحد ها به ادبیات یکسان تری در کار گروهی رسیده اند و در مسیر بنگاه های خدماتی با حمایت و برنامه ریزی شرکت و پروژه ساعد شکل گرفته اند که در راستای خدمات زنجیره تولید از جمله مدل و الگو سازی ، برش و کنترل نهایی و بسته بندی واحد مرکزی به بنگاه های خدماتی تعویض اختیار کرده تا شرکت از فعالیت های اجرایی به فعالیت های نظارتی بیشتر تبدیل گردد .

برون سپاری مستقل (زنجیره خوشه ای)

فاز سوم: در این مرحله که مرحله بلوغ پروژه ساعد می باشد، زنجیره تامین تا فروش (واحد های تامین، بنگاه ها و واحدهای خدماتی، توزیع و فروش) تعاملات مستقل و یکپارچه بین هم را شناخته و به زنجیره خوشه صنعتی تامین تا فروش پوشاک ساعد تبدیل شده اند که دیگر نیاز به نظارت نیز ندارند و شرکت در حمایت های دولتی در بستر های صادرات محصولات که پوشاک جزء محصول صادرات فرهنگی می باشد ، می تواند گام بر دارد .

به لطف پروردگار توانسته باشیم قدمی هر چند کوچک ، برای بهبود پوشاک سرزمین مان برداشته و دین خود را به کشور عزیزمان و صنعتی که در آن خدمت می کنیم ، انجام داده و لطف و عنایت خداوند شامل حالمان گردد . ان شاءالله

و من الله توفیق



E L K A
F A S H I O N S